

توطئه جدید امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس

بیانیه رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان

درباره توطئه جدید امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس
در صفحه ۲



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۹
یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

خود خواندند و آنرا مردود شمردند. سلطان قابوس پیشنهادی را به کشورهای منطقه خلیج فارس ارائه نمود مبنی بر اینکه، در این منطقه بخاطر حفظ امنیت، یک پیمان نظامی از کشورهای منطقه، با شرکت ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان غربی منعقد شود. قبل از هر چیزی باید خاطر نشان ساخت که این پیشنهاد نه به ابتکار رژیم قابوس مطرح میشود و نه پیشنهاد تازه است. از سالهای شصت، امپریالیستهای امریکا و انگلستان، که بملت گسترش جنبشهای رهایی بخش و مبارزات استقلال طلبانه خفتهای منطقه، آینده این بقیه در صفحه ۲

ایران برنامه ای را که از سوی رژیم سلطان قابوس برای تامین امنیت خلیج فارس مطرح شده، رد کرده است. این مطلب را دکتر علی شمس، سفیر ایران در کویت، در یک مصاحبه مطبوعاتی عنوان کرد. وی گفت که ایران با تبدیل خلیج فارس به منطقه درگیریهای بین المللی مخالف است و تامین امنیت خلیج فارس صرفاً کار کشورهای این منطقه است. پیشنهاد سلطان قابوس که بوسیله فرستاده های وی به کشورهای این منطقه ارائه گردید، مورد پذیرش هیچیک از این کشورها قرار نگرفت. علاوه بر ایران، عراق، کویت، و یمن دمکراتیک نیز این برنامه را مغایر با مصالح ملی

ما هشدار میدهیم:

شرایط حساس کشور حکم می کند که دولت هر چه زودتر برای کاهش قیمت ها برنامه ای تدارک ببیند و آن را اجرا کند.

قیمتها به مرز خطر میرسد!

چند روز پیش شیر گران شد. از طریق روزنامه ها اعلام شد که به هر بطر شیر یک لیتری ۸ ریال افزوده شده است. گرانی شیر در شرایطی اعلام میشود که: قیمت ها دارند بالا میروند و به مرز خطر میرسند. (انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)

مدیر عامل شرکت شیر در توجیه گران شدن شیر، این غذای حیاتی، که یکی از مایحتاج اصلی مردم و زحمتکشانش است، گفت: «دولت هر ساله مبلغ قابل ملاحظه ای به دامداران کمک می کرد تا شیر به قیمت ارزان به دست مصرف کننده برسد. ولی شورای اقتصاد تصمیم گرفت، این را به تدریج قطع کند. دولت در سابق شیر را هر لیتر ۳۳ ریال از دامدار خریداری می کرد ولی تری ۱۵ ریال در اختیار مصرف کننده قرار میداد.»

گذشته از اینکه این سخنان به ضد انقلاب فرصت بهره برداری میدهد، در عین حال نشان دهنده مشکلات عمیقی در اقتصاد کشور نیز هست. که بلافاصله بر روی قیمت ها منعکس میشود. واقعیت این است که:

«اقتصاد ایران اگر خود تولید کننده بود، افزایش قیمت ها از حدی که میکشد خط ناک میشد. اکنون که خود تولید کننده نیست، ناگزیر باید با واردات تورم را مهار کرد و قیمت ها همچنان بالا خواهند رفت و بحران اقتصادی، بزرگتر و غیر قابل تحمل خواهد شد.» (انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)

گشتی در بازار خرید و فروش دادن به حرف های خریداران، که کم کم از زهمه و پیچیده به اعتراض تبدیل میشود، این واقعیت را به همه آنها، که به سر نشوشت انقلاب ایران علاقه دارند، گوشزد میکند که:

درباره ادامه وضع موجود و افزایش نرخ کالاها بدون تهیه و تدارک کار و پیدا کردن راه های ایجاد درآمد برای مردم، موج نارضایتی بالا خواهد گرفت و همانگونه که نرخ کالا افزایش می یابد، بملت گرانی، درخواست کننده کمتری می یابد و باز ناگزیر افزایش قیمت بیشتری برای حفظ واحد نیاز است که مشتری بر مراتب کمتر خواهد شد و شاید به رکود و یا تعطیل واحدها هم بکشد.»

(اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)

باضافه، مهار نکردن گرانی بحران عمیقی در کشور منجر خواهد شد که «بحران سیاسی بدنبال می آورد که بسته به کم و کیف آن، تغییرات سیاسی را تحمل میکند. این تغییرات می توانند بسیار شدید و خطرناک باشند.» (انقلاب اسلامی - ۱۰ مهر)

چنین چشم اندازی، در شرایط کشور

ما، تنها و تنها بسود امپریالیسم تمام میشود. شرایطی که خود امپریالیسم با استفاده از شیوه های گوناگون اقتصادی، در دید آمدنش نقش اصلی را داشته و دارد. شرایطی که نظیر آن در شیلی توانست به فاجه ای به عظمت و درناکی سقوط دولت ملی آینده کمک کند.

برای جلوگیری از این بحران، باید ماهیت گرانی را شناخت و با آن برخورد درست عینی کرد. تورم پدیده ای است که در نتیجه انباشت پول در مجاری کالا، به میزانی بیش از حد لازم برای مبادله کالا، به وجود می آید. این فزونی باعث کاهش ارزش پول، بالا رفتن بهای کالاها و در نتیجه پائین آمدن سطح زندگی زحمتکشانی میشود که درآمد آنها ثابت است و هیچگاه مناسب با افزایش های کالاهای مصرفی بالا نمی رود. زیرا در یک نظام سرمایه داری، هم افزایش قیمت ها بدست سرمایه داران است، که هر وقت لازم دیدند قیمت ها را بالا می برند، و هم افزایش دستمزد، که هرگز لازم نمی دانند آنرا افزایش دهند.

باین ترتیب تورم و گرانی پدیده ای است عینی و ناشی از قانونمندیهای نظام سرمایه داری. گرانی هم که یکی از مظاهر تورم است، خصالت عینی دارد و نباید آنرا با پدیده گرانی فزونی، که اگر هم محرک آن تورم باشد، ولی بهر حال یک پدیده اخلاقی است، یکسان دانست. با اینکه تورم پدیده ایست عینی،

از: احسان طبری

تحلیلی از اوضاع جهان

بملت توقیف بدون دلیل «مردم»، در انتشار سلسله مقالات «تحلیلی از وضع جهان» وقفه حاصل شد. اینک برای یادآوری، به چاپ دوباره اولین قسمت این مقاله اقدام می کنیم و سپس به انتشار دنباله آن ادامه می دهیم.

در صفحه ۴

درباره مصوبات مجلس خبرگان (۲)

ادامه بررسی اصول قانون اساسی

در صفحه ۳

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میوم انقلابی است.



کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاهمین سالروز تولد یاسر عرفات را تبریک میگوید

شما بودید. ما خوشحالم که پس از پیروزی انقلاب در مین ما، نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین امکان یافت که در کشور ما استقرار یابد و در راه تحکیم و گسترش مناسبات برادرانه بین خلقهای ایران و فلسطین بکوشد.

حزب توده ایران، بر اساس سیاست اصولی و انقلابی خود، سازمان آزادیبخش فلسطین را یگانه نماینده واقعی خلق فلسطین میدانند، توطئه های امپریالیسم امریکا، اسرائیل و حکومت خائن سادات را، که آخرین آن موافقتنامه کمپ دیوید است، محکوم میکند

یکی از مشخصات جنبش آزادیبخش فلسطین است، شما برادر عزیز ما، نقش بزرگی ایفاء کرده و میکنید.

در سالروز خجسته تولد شما، بمناسبت پشتیبانی بیدریغ خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین از جنبش انقلابی مردم ایران و انقلاب بزرگ ما، تحت رهبری امام خمینی، از خلق برادر فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین و شخص شما صمیمانه تشکر میکنیم. ما از دل خوشوقتم که نخستین رهبر انقلابی که پس از پیروزی انقلاب به مین ما آمد،

نقشی که شما برادر عزیز ما در تحکیم سازمان آزادیبخش فلسطین، در تشکیل جبهه متحد همه نیروهای رهایی بخش فلسطین، در پی ریزی مبنای سیاسی و تاکتیکی و استمرار آن مبارزه عادلانه خلق فلسطین علیه صهیونیسم اشغالگر و تجاوزکار و حامیان امپریالیستی آن، بر سرکردگی امپریالیسم امریکا، و در راه آزادی وطن اشغال شده و تامین حق تعیین سرنوشت برای خلق فلسطین ایفاء کرده و میکنید، مورد تحسین و تقدیر حزب ما و خلق آزادی دوست و مبارز ایران است.

در شناخت دوست اندام و تکیه بر دوست واقعی علیه دشمن،

کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه ای پنجاهمین سالروز تولد یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین را تبریک گفته است. متن این تبریک بشرح زیرین است:

رفیق یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین رفیق عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و همه اعضای حزب، پنجاهمین سالروز تولد شما را صمیمانه تبریک میگویی و سلامت و طول عمر و توفیق شمار در خدمت بخلق قهرمان و مبارز فلسطین آرزو میکند.

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

اطلاعیه کارگران متخصص تکنو کار

برادران کارگر، کارفرمایان، که اتحاد آهنگین ما کارگران را در طول شش ماه بعد از قیام دیده، چندین بار سعی کرد که با بستن کارخانه اتحاد ما را هم در هم بشکنند و این اولین باری نیست که با بهانه های مختلف و با توطئه او روبرو می شویم.

بار اول، فروردین ۵۸، کارخانه را مدت ۱۵ روز تعطیل کرد و بعد از تمام شدن تعطیلات، وقتی ما به کارخانه آمدیم، بسا در بسته و اطلاعیه کارفرما مبنی بر اینکه چون پروژه شرکت خوابیده است، کارخانه نیز تعطیل است. البته کارگرانی که در جریان قیام یادگانهای ارتش امریکائی شاه مزدور را فتح کرده اند، برایشان باز کردن در کارخانه و اشغال کارخانه اهمیتی نداشت. کارخانه را باز کردیم و شروع بکار کردیم. بار دوم کارفرما میخواست به بهانه نبودن جنس کارخانه را تعطیل کند، اما کارگران برای پیدا کردن جنس به بازار رفتند و تمام اجناس لازم را در بازار پیدا کردند. اما کارفرما که

هدفش اخراج ما کارگران بود، بهانه پول نداشتن را پیش کشید، اما مادرنامه ای خطاب به کارگران و مسئولین مملکت نقش ضد کارگری و ضد انقلابی او را افشا نموده و توطئه کارفرما را خنثی کردیم. بار سوم بعد از قیام قهرمانانه بهمین ماه، کارگران ایران، که دیگر حاضر نبودند مثل گذشته برای سرمایه داران وابسته ایرانی و سرمایه داران خارجی ۴۸ ساعت یا بیشتر کار کنند مسئله ۴۰ ساعت کار را مطرح کردیم و آنرا در کارخانه خودمان عملی کردیم، اما کارفرما بعد از دو ماه بکمک وزارت کار ۴۰ ساعت کار را غیر قانونی اعلام کرده بود. کارفرما اقدام انقلابی ما را ضد انقلابی خواند و ما را بر سر دوراهی تعطیل کارخانه یا ۴۸ ساعت کار قرار داد. ما موافقت برای ادامه کار کارخانه کوتاه آمدیم تا نقشه شوم کارفرما عملی نشود. بار چهارم که کارفرما در برابر اتحاد و مبارزه کارگران مانع از شده بود، برای ادامه کار کارخانه خواستار عدم دخالت شورا در مدیریت کارخانه و پاکسازی

کارخانه از عوامل ضد انقلابی و تخلیه انبار کارخانه شد. ما برای خنثی کردن توطئه جدید کارفرما، ضمن قرارداد اداری در وزارت کار، متعهد شدیم که شورای ما در مدیریت کارخانه دخالت نکند و بعد از آمدن مدیر فنی و راه افتادن کار مانع خروج جنس از انبار نشویم و برای پاکسازی نیز خودمان اقدام کردیم و یکی از افراد توطئه گر را، که جاسوس کارفرما بود و میخواست علیه کارگران به دستور کارفرما پرونده سازی کند، شناسائی کردیم و در صدد اخراجش هستیم. اما کارفرمای مزدور از ۵ ماده قرارداد وزارت کار فقط یک ماده آنرا عملی کرد و آن نیز نبودن جنس در انبار بوده و حتی یک کامیون مواد اولیه را نیز از کارخانه بیرون برد، ولی از دیگر ماده های قرارداد مبنی بر آمدن مدیر فنی، تامین جنس و راه افتادن کارخانه خبری نشد. بار پنجم حالا کارفرما در نامه ای که به کارخانه فرستاده، کارگران را تهدید به اخراج کرده و از آنها خواسته روزی ده نفر به حساب بدارند شرکت بپایند و تسویه حساب کنند. برادران کارگر، کارفرمای مزدور ما در حالیکه در امریکا با خانوادهاش در ویلاهای امریکاییش اربابان مشغول خوش گذرانی است، ما حتی کرایه خانه و پول شین خشک بچه نداریم.

توطئه جدید امپریالیسم امریکادر منطقه خلیج فارس...

بقیه از صفحه ۱

منطقه را برای منافع اقتصادی و مواضع سیاسی و نظامی خود، نامطلوب میدیدند، برای تامین منافع خود در منطقه اقیانوس هند، دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس طرحهایی ریخته که هزینه آن میبایست بوسیله رژیمهای سرسپرده به آنها، بخلقه های کشورهای این منطقه تحمیل شود. مجریان اولیه این طرحها رژیم شاه مخلوع، مراکش و اسرائیل بودند. پس از روی کار آمدن سادات در مصر و خیانتش به خلقهای عرب و نیز پس از کودتا در عمان و برقراری رژیم سلطان قابوس در این کشور، این دور رژیم سرسپرده نیز به فعالیت برای پیاده کردن این برنامه امپریالیسم امریکا و انگلیس پیوستند.

رژیم شاه مخلوع، که هم از لحاظ سرسپردگی به امپریالیسم امریکا هم از نظر امکانات نظامی و اقتصادی بر دیگران ارجحیت داشت، در راه پیاده کردن این برنامه بیش از همه کوشا بود. لشکرکشی ارتش ایران به ظفار، بجاگ و خون کشیدن جنبش رهایی بخش خلق عمان، توطئه و تحریک علیه جمهوری دموکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه، همه کوششهایی بود برای هموار کردن راه بمنظور اجرای این برنامه. اما پوزوی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که یکی از اهداف عمده آن از بین بردن وابستگی به امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و مبارزه بر ضد سیاستهای امپریالیسم در منطقه بود، محاسبات

مبتکرین امپریالیستی این برنامه را بهم ریخت و یکی از مهره های اصلی اجرای این برنامه از صحنه خارج شد. شکستهای سنگینی که پس از پیروزی انقلاب ایران بمواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم امریکادر این منطقه وارد آمد، این کشور را بر آن داشت که طرحهای تازه ای، ولی با همسان مضمون پیشین، مطرح کند تا شاید از این راه بتواند این شکست را جبران کند و کشورهای این منطقه، از جمله ایران را، زیر عنوان «امنیت منطقه خلیج فارس» به پیمان نظامی امپریالیستی جدیدی وارد سازد. ایجاد نیروی صدوره هزار نفری برای اعزام به منطقه خلیج فارس، پیاده کردن واحدهای نظامی مصر در عمان، تقویت پایگاههای نظامی امریکا در بحرین و مصریه، که از جانب رژیم سلطان قابوس در اختیار امریکا گذارده شده و پیشنهاد رژیم سلطان قابوس، همه از مواد برنامه واحدی هستند که امپریالیسم امریکا برای بازگرداندن و حفظ سلطه نظامی و اقتصادی و سیاسی خود در این منطقه طرح کرده است.

دکتر علی شمس، سفیر ایران در کویت، طی مصاحبه ای بیرون مسئله امنیت منطقه خلیج فارس خاطر نشان میکند که: «اکنون پیاده کردن سیاستهای امپریالیستی در این منطقه بسیار مشکل تر از گذشته است.» وی با اشاره به پیشنهاد سلطان قابوس متذکر میشود که:

«اگر دولتی واقعا حسن نیت دارد، چسرا باید نیروهای خارجی را از آنسوی اقیانوس دعوت کند که در این منطقه مستقر شوند؟ این نیروها منافع ملی کشورهای منطقه را تامین نمیکند و خود عامل بروز تشنجات هستند.»

سلطان قابوس میگوید ما میخواهیم امنیت تنگه هرمز را تامین کنیم. خود او در جزیره معیره به امریکا پایگاه داده است... وقتی میگویند ما علاقمند به تامین امنیت منطقه هستیم، این امنیت برای کیست؟»

بنظر ما، امنیت مورد نظر امریکو رژیم قابوس برای کسانی است که امنیتشان با امنیت ما و خلقهای این منطقه در تضاد است. ما ضمن تأکید روش دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در رد این طرح جدید امپریالیستی، که آشکارا با استقلال، صلح و امنیت ایران زهمت کشورهای خلیج فارس در تضاد است، از دولت می طلبیم که با هشیاری و قاطعیت هرگونه توطئه امپریالیستی را افشاء و محکوم کند. ما بار دیگر هشدار میدیم که تاخیر و تردید در لغو قرارداد دو جانبه نظامی ایران و امریکا، قراردادی که آشکارا استعماری است و با استقلال ما مینت بی چون و چسرا دارد، امپریالیسم امریکو را در ادامه توطئه گریهایی از این قبیل دلگرم میکند و لذا می طلبیم که این قرارداد استقلال شکن و سایر قرارداد های اسارت آور امپریالیستی بی درنگ لغو شود.

بیانیه رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان درباره توطئه جدید امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس

رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان، در ارتباط با تلاشهای ایالات متحده جهت قانونی نمودن حضور نظامی این کشور در خلیج فارس، از طریق رژیمهای دست نشانده، در عدن بیانیه ای منتشر کرده است.

در این بیانیه تأکید شده است که امپریالیسم امریکا و انگلستان، با همکاری عمالشان، در صدد طرح توطئه دیگری در مسقط، پایتخت عمان، علیه منافع کشورهای خلیج فارس هستند. اظهارات قابوس، سلطان عمان، که به دفعات تکرار کرده و گزارشهای رسانه های گروهی غرب مبنی بر وجود خطر یا تهدید برای

دریا نوردی در خلیج فارس و تنگه هرمز، جز یک دروغ و حیل تبلیغاتی برای توجیه دخالت نظامی خارجی، و در رأس همه آمریکا، در امور کشورهای ساحلی، چیز دیگری نیست. دروغین بودن این همچون های تبلیغاتی هنگامی آشکار شد که سلطان عمان طرحی را برای بستن پیمان نظامی طرفدار امپریالیسم، تحت نظارت و سرپرستی ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد. آمریکا قبلا اعزام کارشناسان نظامی خود را به جزیره معیره در عمان آغاز کرده است. جبهه خلق برای آزادی عمان تأکید میکند که رهبری این جبهه با امنیت عبور کشتیها از تنگه هرمز موافق

است و این اتهام رژیم سلطان قابوس را، که جبهه مذکور در صدد بستن این راه آبی مهم بین المللی است، رد میکند. در بیانیه مذکور آمده است که طرح های آمریکا و حضور نظامی آمریکا، برنامه واشنگتن برای ایجاد بلوکهای متخاصم و حمایت از رژیمهایی از قبیل رژیم قابوس، همه وهمه واقعا امنیت منطقه و مردم ساکن آن را به مخاطره می افکند، افزایش تشنج را تسهیل میکند و بالاخره صلح جهانی را تهدید مینماید. جبهه خلق برای آزادی عمان خواستار آزادی عمان از حضور نیروهای خارجی شد، تا از این طریق خلیج فارس به

صورت منطقه ای فارغ از بلوکهای متخاصم و نیروهای مسلح خارجی درآید، زیرا تنها از این طریق است که امنیت و ثبات این منطقه و همراه با آن امنیت راههای کشتیرانی نیز تامین میشود.

در پایان بیانیه جبهه خلق برای آزادی عمان آمده است: طرح امنیتی که از سوی سلطان نشین عمان مطرح شده است، اساسا یک طرح امریکاییست و باید علیه رژیم مسقط، که چنین سیاستی را بر ضد مردم منطقه مطرح میکند، اقدامات قاطعی به عمل آید، اقداماتی از قبیل محروم کردن آن از عضویت در اتحادیه عرب و پایان دادن به هرگونه کمک و حمایت ممالک عرب از این کشور.

قیمتها به مرز خطر میرسد!...

اولیه به ایران یاد کرد. در جوار توطئه های امپریالیسم، نباید فراموش کرد که: «رقتی قیمتها تا بدین حد بالا میروند، بدان مناسبت که بیماری شد گرفته و مسئولان امور به موقع به علاج آن نپرداخته اند. مثل بسیاری کارهای دیگر که به موقع و از روی برنامه مطالعه و تکلیفش معین نمی شود و مشکلها بر مشکلها می افزاید.»

زمان عمل تنگ تر شده است. دولت می توانست با پیش بینی میزان و آهنگ تورم و تشخیص کالاهای مورد مصرف مستضعفان از غیر آن، تولید و واردات را تحت نظم و قاعده درآورد. اما این کار با توجه به اقتصاد ورشکسته ای که از رژیم سابق به ارث برده بود و دوران

«به هر حال مردم از کوچک شدن و گرانی نان می نالند.» کیهان در همین گزارش، از قول کارگران ناوائی نویسد: «این سرمایه دارها قیمت نمان را مرتب گران می کنند، اما تفاوتی در وضع زندگی ما پیدا نمی شود.»

چرا گرانی ادامه دارد؟ علت مهار نشدن گرانی این است که پس از انقلاب ایران، بعلمت قطع نشدن ریشه های نفوذ امپریالیسم در ایران، نظام سرمایه داری با تمام قانون مندیهای خود بر اقتصاد ایران حکم فرماست. علاوه بر این، امپریالیسم برای از یا درآوردن انقلاب، دست به نوعی محاصره اقتصادی ایران زده است، که از جمله می توان اذصادر نکردن بسیاری از مواد

بقیه از صفحه ۱ تازه که از سوی وزارت نیرو اعلام شده است، مردم ناگزیرند مبلغی بیش از گذشته بپردازند.

برق تنها موردی نیست که نرخ اضافه ای برای آن در نظر گرفته شده. در طی ماه های گذشته سرعت شاهد افزایش کالاهای دیگر نیازهای مردم بوده ایم و حتی اتوبوسها با کمربندی شدن نرخ بالاتر و تازه ای یافتند.

(اتحاد بزرگ ۱۰ مهر) مورد دیگر، گرانی نان است. روزنامه کیهان در گزارشی که روز ۱۲ مهر چاپ کرده، درباره گرانی شدن نان می نویسد: «نان مصرفی مردم هر روز لاغر تر و گرانتر میشود. ظرف ۴-۵ سال اخیر، قیمت انواع نان، که غذای اصلی مردم است، ۲ برابر شده.» کیهان اضافه می کند:

برادران کارگر، ماهیچ چیز نداریم که از دست بدهیم. کارفرما تا بحال به ما برچسب «مازاد» زده است و ما از برچسبهای کارفرما ترسی نداریم و بنا بر این ما کارگران تکنو کار خواستار دولتی شدن کارخانه هستیم.

«مهرک برسرمایه اران وابسته»

از طرف کارگران متخصص تکنو کار



در مجلس خبرگان بیست جور اسلام هست

اسلام ده پانزده جور است. الان در این مجلس خبرگان بیست جور اسلام است. بنا بر این باید مساله را آورد و باینجا که ما بگوئیم تسوحد اسلامی چیست؟ آیا ما به مردم حق می دهیم فکر کنند یا نه؟ (حجت الاسلام غفوری، نماینده مجلس خبرگان، انقلاب اسلامی - ۱۲ مهر)

بسیارها در مسواد قانون اساسی صحیح نیست

شکل های مختلف حکومتی که تا بحال وجود داشته اند، منتهای پندیرش و انتخاب مردم، ادامه نیافته اند. زمانی یک قدرت در جامعه تداوم پیدا می کند که مردم بخواهند، اگر مردم پذیرای آن نباشند محکوم به زوال است.

بعضی از موادی که در قانون اساسی نوشته می شود، این معیارا دارد که، مردم بخواهند یا نخواهند، باید این چهارچوب را بپذیرند. بسیاری از چهارچوبهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را که معین می شود، مردم باید بپذیرند. و این معنای باید صحیح نیست، چون اگر مردم نظارت امامت را از دید عقیده شان و ایمان نشان بپذیرند، پیاده میشود، والا پیاده نخواهد شد.

(حجت الاسلام موسوی اصفهانی، نماینده مجلس خبرگان، انقلاب اسلامی - ۱۲ مهر)

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹ چاپ: کاویان

بمناسبت سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان

امروز، ۱۵ مهر (هفتم اکتبر)، سی سال از تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان میگذرد. تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان نقطه عطفی در تاریخ اروپا و سراسر جهان است. برای نخستین بار در خاک آلمان، یک دولت کارگری - دهقانی، یک دولت سوسیالیستی، یک دولت صلح دوست پایه گذاری شد. این یک پیروزی تاریخی برای طبقه کارگر و همه نیروهای دمکراتیک، مترقی و صلح دوست در آلمان، در اروپا و در سراسر جهان بود.

طی سی سال گذشته، جمهوری دمکراتیک آلمان، به برکت تلاش فداکارانه خلق جمهوری دمکراتیک آلمان، زیر رهبری خردمندان و آزموده حزب سوسیالیست متحد آلمان، و سرغم تمام توطئه ها و خرابکاریهای امپریالیسم جهانی، پیروزیهایی را در پی انتقامجویان و مرتجعین آلمان فدرال، بیک کشور شکوفان سوسیالیستی، بیک عامل استوار و پیگیر صلح و امنیت در اروپا و جهان، بیک نیروی پشتیبان جنبشهای انقلابی و آزادیبخش در سراسر جهان تبدیل گردیده است.

دستاوردهای بزرگ جمهوری دمکراتیک آلمان در زمینه های اقتصادی و فرهنگی، با توجه به خرابیهای عظیم ناشی از جنگ دوم جهانی و ارضیه شوم آلمان هیتلری، با توجه به توطئه ها و خرابکاری های دشمنان جمهوری دمکراتیک آلمان، که در راس آنها امپریالیستهای امریکائی و میلتاریستها، انتقامجویان و مرتجعین آلمان فدرال قرار دارند، اعجاب انگیز است. جمهوری دمکراتیک آلمان هم اکنون در زمره ده کشور صنعتی جهان قرار

گرفته است. این همبستگی انتر-ناسیونالیستی جمهوری دمکراتیک آلمان و حزب سوسیالیست متحد آلمان، که بر پایه سنت درخشان کمونیستهای آلمان استوار است، بر خوردار بوده اند. این همبستگی انتر-ناسیونالیستی بویژه در دوران رژیم ضدملی و ضد دمکراتیک محمدرضا پهلوی، که مردم ایران در شرایط فوق العاده دشوار ترور پلیسی، برای استقلال و آزادی مهن خود مبارزه میکردند، منبع کمکهای بیشانی ذیقیمتی بوده، که فراموش نشدنی است.

انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران، بر رهبری اسام خمینی، نیز بر اساس همین سنت درخشان همبستگی انتر-ناسیونالیستی، مورد پشتیبانی دولت جمهوری دمکراتیک آلمان و حزب سوسیالیست متحد آلمان قرار گرفت.

واکنش نیز که انقلاب ایران در دوران بفرنجی از تکامل خود را میگذراند، جنبش انقلابی مردم ایران میتواند مطمئن باشد که از این همبستگی انتر ناسیونالیستی مانند همیشه، برخوردار خواهد بود.

سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان را به خلق جمهوری دمکراتیک آلمان و به نیروی راهبر آن، حزب سوسیالیست متحد آلمان، صمیمانه تبریک میگوئیم و موقعیتهای بازم بیشتر و بزرگتری را برای آنها در ساختمان جامعه سوسیالیستی گسترش یافته در جمهوری دمکراتیک آلمان آرزو مندیم. ما آرزو مندیم که مناسبات دوستی بین خلقهای ایران و جمهوری دمکراتیک آلمان، بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک آلمان تحکیم شود و گسترش یابد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بمناسبت سی امین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک آلمان، نامه شادباشی برای کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ارسال داشته است.

ادامه بررسی اصول قانون اساسی (۴)

سخن گفته اند و میگویند، اجباری ساخته است. بسخن دیگر آنها مجبورند نوشتن و خواندن را بزبان فارسی و با کتب فارسی انجام دهند. برای آنکه درک کنیم این میلیونها کودک چه میکنند، یک لحظه بیایندیشیم که چه میشد اگر قانونی میلیونها کودک و نوجوان و جوان فارسی زبان را مجبور میکرد که تحصیل را باید برعکس بزبان آذربایجانی یا کردی انجام دهند؟

متن جدید مصوبه خبرگان میگوید: «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با خط و زبان فارسی باشد». استفاده از زبانهای محلی را تنها در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد شناخته است. داشتن حق تحصیل بزبان مادری، خواندن و نوشتن بزبان مادری، مدارس و کتب درسی بزبان مادری، یک حق ابتدائی بشری، یک حق مسلم ایرانی، آنها بعد از انقلاب بزرگی است که تمام ملیتهای ساکن ایران به تساوی و با دادن قربانیهای فراوان در آن شرکت کرده اند. مجلس خبرگان، با تحریف متن پیش نویس و برداشتن حق «استفاده از زبانهای محلی در مدارس» و اجبار به آنکه کتب درسی بفارسی باشد، در راه خطرناکی گام نهاده است. در راه نفاق و جدائی، در راه تحمیل و سرکوب. پیش نویس قانون اساسی درست تر منویات مردم ایران را، در تمام تنوع آنها، در درون وحدت سراسری کشور، منعکس میگرد. متاسفانه ماده مربوطه، توسط مجلس خبرگان، از محتوی مثبت و خلقی و انقلابی خود بکلی خالی شده و بکوره راه تحمیل و نفی واقیبات افتاده است. جالب است موقمی که در همین مجلس، پیرامون زبان عربی صحبت میشد، کسانی میگفتند تحصیل این زبان از مدارس ابتدائی آغاز شود. ولی آقای دکتر باهنر، عضو رهبری حزب جمهوری اسلامی و معاون وزارت آموزش و پرورش، از جانب شورای انقلاب، بدستی گفت که این عملی درست نیست و دلیل آنرا هم چنین ذکر کرد که کودک ایرانی بزبان مادری خودش سخن میگوید و از همان ابتدای دبستان نمیتواند زبان دیگری را بیاموزد.

همین استدلال در مورد تحصیل انحصاری فارسی و کتب درسی انحصاراً بفارسی برای ایرانیان نو آموزی که زبان مادری شان فارسی نیست، صدق میکند.

چرا باید مطالبی که در زمان رژیم شاه مخلوع با آنهمه اصرار و بزور سر نیزه و شکنجه تحمیل میشد، اینک پس از انقلاب، در قانون اساسی جمهوری اسلامی بازتاب یابد و پیش نویس خود این قانون بکلی کنار گذاشته و عنصر نو و مترقی آن حذف شود؟ در عرض خبرگان لازم دیده اند که اصل جدیدی را بقانون اساسی بیافزایند و تدریس زبان عربی را در دوره متوسطه اجباری کنند. در حالیکه اولاً چنین تصمیماتی در باره جزئیات برنامه تحصیلی در صلاحیت وزارت آموزش و پرورش است و ثانیاً همه کس میدانند که «علوم و معارف اسلامی»، که مورد استناد خبرگان است، در بسیاری از کشورهای اسلامی بزبانی جز عربی تدوین میشوند و انتشار مییابد و در کنفرانسهای اسلامی، حتی در کشورهای عربی، زبانهای دیگری نیز بجز عربی، رسمیت کامل دارند و مورد استفاده قرار میگیرند.

این بحث ادامه دارد

میخواهند دهقانان را از خانه خود بیرون کنند

بهنگام اصلاحات نیم بند شاه مخلوع، هر گونه کوششی بعمل آمد تاحق دهقانان زحمتکش ضایع شود. یکی از این تشبثات مربوط بود باینکه زمین محوطه خانه رعیت ها را نسق نکردند. حالا مالکان که میبینند دولتیان نظر لطف نسبت به آنها دارند، میکوشند به دلیل نسق نشدن زمینهای محوطه خانه های دهقانان این زمینها را از آنها بگیرند. اربابها بهانه آورده اند که زمین خانه ها با اسم دهقانان نسق نشده و زمین دهقانان فقط همان مزرعه است. مالکان میگویند که اگر قصد ساختن خانه دارید، مقداری از مزرعه را خشک کنید و در آن خانه بسازید این یک زور گوئی بی سابقه است. دهقانان نمیتوانند باور کنند که در جمهوری اسلامی چنین ظلمی بر آنها وارد شود. دهقانان نمیتوانند بخشی از زمینها را، که معمولاً از یک هکتار بیشتر نیست، بخانه اختصاص دهند. چنین عملی از نظر قانونی ممکن نیست و از نظر اقتصادی منجر به کم تر شدن محصول میشود. بگذریم از اینکه، کدا مدهقانی باینهمه گرفتاری میتواند از نو خانه ای برای خود بسازد و در کجا باید

کاو و کوسفند خود را جاده ها! در بعضی نقاط مانند «مامقلی عبادی»، ارباب بزرگ و تهدید و زور خورد متوسل شده است. حتی در یک مورد مالک نگذاشته است دهقان مزرعه خودش را بکار. سایر رعایا راهم تهدید کرده است که زمینها را با دیگر باور تقسیم کنند، و اگر شکایت هم کرده اند، پس بگیرند رضایت بدهند. شرط رضایت مالک هم اینست که مالک بتواند تمام زمینهای خشک را بنام خودش ثبت کند، تا بعد به آسانی بتواند همه رعایا را بیرون کند! استفاده از کلمه رعیت توسط دهقانان این منطقه بیسوده نیست. با آنها مانند رعیت رفتار میشود و مالک هم از پشتیبانی مقامات برخوردار است و لذا پشتش گرم است. وظیفه فوری دولت است که جلوی زور گوئی مالکان را بگیرد و شرایط را برای انجام توصیه امام درباره کاشتن مزارع آماده کند. انقلاب باید از منافع زحمتکشان روستاها در برابر استثمارگران ستمگر دفاع کند.

درباره کارهای مجلس خبرگان بطور کلی و ستمگری ویژه آن، که با هدف اولیه و وظیفه مشخص این مجلس، بعنوان بررسی کننده نهائی پیش نویس تقدیمی مردم ایران در خرداد ماه گذشته، مغایر است و همچنین پیرامون سیزده اصل از اصول قانون اساسی، به ترتیب تصویب آنها در مجلس خبرگان، بررسیهایی در شماره های پیشین «مردم» انجام دادیم. بدنبال بحثهای قبلی، اینک مواد و اصول دیگری را، که از تصویب خبرگان گذشته، مورد بررسی قرار میدهیم.

اصل چهاردهم مربوط بحاکمیت ملی است. در پیش نویس نوشته شده بود: «حق حاکمیت ملی از آن همه مردم است و باید به نفع عموم بکار رود... این یک مطلب درست و صریح بود. اما در متن تصویب شده آمده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و اسلام از آن خداست و هم او انسان را بر سر نوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...» می بینیم که مسئله بر سر تصحیح و تکمیل نیست. نص و روح ماده بکلی عوض شده. در اینجا بازم به نمونه دیگری از عواقب کوشش برای پیاده کردن اصول عقاید مکتبی و دیدگاههای فلسفی در یک سند حقوقی و قضائی، که قانون اساسی است، زور بر هستیم. مسلماً حتی اسلام شناسان و اردنیز این فرمول بندی یا ماشا به آنرا، که در یک عبارت کوتاه، تمام نظر گاه مکتب را خلاصه کند، کافی و وافی نمیدانند و باین اصل خرده خواهند گرفت، زیرا که اصولاً جای چنین خلاصه کردن نظریات فلسفی، در قانون اساسی نیست. ملموس ترین و مهمترین نتیجه ای که در عمل از این کوشش بدست میآید، عبارتست از کاستن از سرحات و دقت یک سند مهم قضائی و حقوقی وزیر علامت گذاشتن حاکمیت خلق یا حاکمیت ملی در حالیکه درست همین مطلب میبایست در قانون اساسی بروشنی بیان شود و حاکمیت ملی بدون هیچ خدشهای و لاقبل همانطور که در متن پیش نویس بود، از آن همه مردم شناخته شود و نطاق اعمال آن تعیین گردد، همانطور که در این باره، کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز نظر اصلاحی خود را در نامه به هیئت دولت در خرداد ماه ارسال داشته است. عدم صراحت اصل مزبور موجب شده است که مجلس خبرگان نتواند اصول ۱۶ و ۱۵ را، که مربوط به قوه ملت میشد، تدوین کند و آن مواد را مسکوت گذاشت تا بعد راه حلی برایشان پیدا کند، در حالیکه اگر اصل حاکمیت ملی آشکارا بی تردید بیان میشد و مسجل میگردد که حاکمیت تماماً و کلاً در جمهوری اسلامی ایران متعلق به مردم است. آنکاه مواد مسکوت مانده هم بر احوتی و بتبع، راه حل منطقی و انقلابی خود را می یافت و در کوره راه بحثهای بی سر انجام، که قاعدتاً نمیبایست بقانون اساسی مربوط باشد نمی افتاد.

اصل هفدهم درباره چگونگی اعمال قوه مقننه است، که از طریق مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب مردم صورت میگیرد. در این مورد تفاوت ماهوی بین پیش نویس و متن تصویب شده نیست. نظر ما که در اصلاحات پیشنهادی خرداد ماه عرضه شده اینست که، بهترین راه عبارت از این میبود که تصریح میگردد: مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور قدرت مرکزی را اعمال میکند و در استانها و شهرستانها و شهر و ده شوراهای مربوطه، که توسط اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند. طبق اختیارات مشخص و در چارچوب معینی که در مورد امور داخلی قلمروی خود و در حد مسئولیتها و وظائف خویش دارند، حاکمیت خلق را اعمال کنند.

اصل ۱۹ مربوط است به اعمال قوه قضائیه. در اینجا نیز بظاهر تفاوت چندانی بین متن پیش نویس، که به مردم ایران عرضه شده و بخاطر بررسی آن انتخابات مجلس خبرگان بعمل آمد، و متنی که این مجلس تهیه کرده، دیده نمیشود. ولی در واقع وظیفه دادگاههای دادگستری، از متن قدیمی، «اجرای عدالت اسلامی» و در متن جدید «اجرای عدالت و اقامه حدود الهی» نوشته شده است. واضح است که عبارت «عدالت اسلامی» دست قانونگذار و قوه قضائیه را در اجرای عدالت، مطابق با تکامل جامعه و شرایط امروزی، بیشتر از میگذارد در حالیکه «حد زدن»، با دایره ویژه خویش، نه تنها دارای آنچنان بعدی نیست که پاسخگوی زمان باشد، بلکه با شرایط کنونی، که امکانات نوئی را برای تعیین کیفر و میزان آن و نحوه مجازات بوجود آورده، سازگار نیست.

در پیش نویس قانون اساسی، که آن نیز توسط مسلمانان مقننه و وارد تهیه شده وسیعی شده بود که روح احکام دینی در آن ملحوظ بماند، باین نکته توجه شده و فرمول بهتری پیشنهاد شده بود، که در متن مصوبه از آن عدول شده است.

اصل مهم دیگر مربوط بزبان فارسی است، که مستقیماً با حقوق مردمی که در ایران زندگی میکنند و بزبان دیگری سخن میگویند، ارتباط دارد. در این باره نیز خبرگان چنان تغییری در متن پیش نویس داده اند که آنرا بکلی تحریف نموده و میلیونها ایرانی را از یک حق بیهی و ابتدائی محروم کرده اند و در نتیجه امر بسیار مهم وحدت داوطلبانه آنها را در چارچوب ایران واحد و تجزیه ناپذیر در معرض خطر جدی قرار داده اند.

مطلب بر سر چیست؟ در پیش نویس گفته شده بود که «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و متون و مکاتبات رسمی باید با این زبان و خط باشد»، اما تصریح کرده بود که استفاده از زبانهای محلی در مدارس و مطبوعات محلی آزاد است. یعنی آموزش در مدارس آن نواحی که ساکنانش بزبان دیگری جز فارسی تکلم میکنند، بهمان زبان مادری کودک دبستانی خواهد بود. و این کاملاً بیهی و در جمهوری اسلامی ما کاملاً قابل انتظار بود. اما مجلس خبرگان آمده است و تحصیل در مدارس را بزبان مادری برای خلقهای غیر فارس ساکن ایران منع کرده و تحصیل زبان فارسی را نه فقط برای فارسی زبانان، بلکه برای میلیونها کودک آذربایجانی و ترکمن و کرد و عرب و بلوچ و غیره، که تا دم زمدرسه، در خانه و کوچه و شهر و دیار خود بزبان خویش

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است. «مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفق و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار، هر چه تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متاسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهش نمودیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبدول دارند. با سپاس «مردم»

احسان طبری

تحلیلی از وضع جهان

۱- دیالکتیک عامل داخلی و خارجی و نقش فراینده توده‌ها

امپریالیسم و نیروهای ضد مردمی دوست دارند مردم را در امور شخصی و گرفتاریهای خانوادگی خود غرق کنند و با آنها چنین تلقین نمایند که سیاست تنها کار سیاستمداران است، پرداختن به امور سیاست اصولاً نکتت میآورد و دخالت در آن خطرناک است و «چو را بیتی سلامت در کنار است» و لزومی نکرده است که مردم از سیاست چیزی در سر بیاورند و درباره آن به کنجکاوایی پردازند. این نیروهای سیاه‌کسانی را که درسیات «فضولی» کنند، به مجازات های شدید میرسانند. و حال آنکه هیچ کار شخصی و خانوادگی وجود ندارد که سیاست آنرا تحت تأثیر تند یا کند خود قرار دهد. سیاستمداران ضد مردمی، در پس پرده، توطئه‌های خود را علیه مصالح سرپای یک جامعه میچینند و این جامعه است که سرانجام باید تاوان آنرا پس بدهد، جنگها، انقلابها، بحرانهای سیاسی و اقتصادی، تورم و گرانی، کمبود کالا، افت تولید، دشواری مسکن، مشکلات آموزش، دشواریهای ترافیک و مسافرت و امثال آنها که بزندگی شخصی و خانوادگی مازیان میرسانند، همگی در «مطبخ سیاست های خاص» تدارک دیده میشود. اگر مردم از «مروم» و «چم و خم» سیاست سر در بیاورند، سیاست مترقی را از سیاست ارتجاعی متمایز سازند، نیروهای سیاسی و شکر عمل آنها را باز بشناسند، دوست را از دشمن تشخیص دهند، بموقع در برابر رویدادها واکنش کنند، زیر بار حرف زور نزنند، فریب سخن بظاهر مطبوع را نخورند و غیره و غیره آنگاه به عملی موثر در تعیین سر نوشت سیاسی و اجتماعی خویش بدل میشوند.

امپریالیسم و ارتجاع چون نمیخواهند مردم در بند و بستهای قمار مانند سیاسی آنها، مزاحم آنها باشند، چون مایل هستند تمام افزارهای سیاست، مانند دولت، احزاب، مطبوعات و رسانه‌های گروهی، بنیادهای آموزشی و تبلیغاتی و غیره را تحت نظارت و کنترل خود داشته باشند، لذا مردم را به همه چیز ممکن سرگرم میکنند تا از سیاست دور نگاه دارند، و خودشان به فراغ بال نقشه‌های محیالانه خود را بکشند و اجرا کنند و بهدفعهای مغرضانه و سودجویانه خود دست یابند. به همین جهت عامداً مانع رشد سطح آگاهی عمومی جامعه میشوند.

در حالیکه یک ملت رشید باید درباره وضع سیاسی کشور خود و جهان تصور روشنی داشته باشد و از مسائل سیاسی جدی جهان و ایران با خبر باشد و برای اینکار بکوشد تا سطح آگاهی و درک خود را بالا برد و از جریان بفرنج سیاست و سررشته‌ها و سرکلافهای آن باخبر گردد.

در دنیای ما، ما بین وضع جهان و وضع کشورهای جداگانه، پیوند برقرار است. دنیا کوچک شده است، شما در عرض چند ساعت میتوانید یکسره به هر گوشه جهان مسافرت کنید، رسانه‌های گروهی در عرض چند دقیقه شما را از رخدادهای نقاط مختلف با اطلاع میسازند، بسیاری از مردم با زبانهای مختلف آشنا شده‌اند و جراید و مجلات و کتب را در آن زبانها میخوانند و از افکار و داوریهایی دیگران با خبر میشوند، جهانگرایی و آموزش بین ملتها افزایش شگرف یافته است. امروز دیگر حادثه‌ای که در ویشتام یا نیکاراگوئه رخ میدهد، قادر است که ما را تسکن دهد. چنانکه حوادث انقلاب وطن ما را روزمره صدها میلیون نفر روی صفحه تلویزیون دنبال کرده‌اند. عکس سیاستمداران، صدای آنها، منظره حوادث بوسیله رسانه‌های گروهی طی یکروز در جهان پخش میشود. دنیا به یک خانه تبدیل شده است و اهالیش به ساکنان آن خانه شبیه شده‌اند که از کم و کیف امور یکدیگر با خبرند.

این کوچک شدن دنیا در اثر ارتباطات سریع، ناچار منجر به آن شده است که تأثیر عامل خارجی و عامل داخلی درم بیش از گذشته است، بطوریکه هیچ حادثه محلی نیست که انگیزه‌های ژرف آن در رویدادهای جهانی نباشد و یا هیچ رویداد محلی نیست که اثرات خود را در روند حوادث جهانی باقی نگذارد. جوهری محلی و ملی حوادث تاریخی بیش از پیش به یک شط واحد خروشان و جوشان مبدل میشود.

اگر بخواهیم این مطلب را بدانیم که ما بین عامل داخلی و عامل خارجی، بمنوان انگیزه یک رویداد تاریخی، کدام مهمتر است، البته بطور عمده باید گفت، عامل داخلی، زیرا بهر جهت و در آخرین تحلیل، این مردم یک کشورند که باید جلوه‌گاه و منعکس کننده تأثیرات خارجی باشند. این حکم بطور کلی درست است، ولی نه در هر مورد خاص. موارد خاصی هست که میتواند نقش عامل خارجی قاطع باشد، فی‌المثل در مورد سرنگونی رژیم‌های استبدادی محمدعلی قاجار و محمد رضا پهلوی، در این رویدادهای داخلی مردم ایرانند که نقش قاطع را ایفا کرده‌اند، ولی مثلاً در سرنگونی رضا پهلوی عامل جنگ جهانی، یعنی یک عامل خارجی عامل قاطع بود. طبیعی است که حتی در این مورد اخیر نیز نقش مردم زیاد است، زیرا اگر بفرض محال مردم ایران، ارتش ایران، این دیکتاتور خودکامه منفور را می‌پسندیدند و درست میداشتند، حتی عامل نیرومند جنگ جهانی نیز قادر نبود سرنگونی کند. اینکه سرنگونی او «مثل آب خوردن» انجام گرفت، برای آن بود که ریشه‌های نداشته و منفور بود، حتی سید یعقوب انوار و کیل

مجلس ساختگی او، بمحض رفتن، تسبیح دانه کبریا را با صدای چلغی گرداند و در مجلس گفت: «الخير في ما وقع»! ولی با اینکه، در کلیه حوادث سده‌های نوزدهم و بیستم ایران ما نقش بزرگ عامل خارجی را در شکل‌گیری حوادث میبینیم، در قتل قائم مقام و امیر کبیر، در حادثه تنباکو، در جنبش مشروطیت، در تنه‌ها و رژیم قاجار به پهلوی، در سقوط پهلوی‌ها و غیره. منتها گناه بزرگی است اگر ما با مطلق کردن عیب عامل خارجی، منظره را چنین مجسم کنیم که گویا مردم ایران تنها آلت سیاستهای خارجی بوده‌اند. مردم ایران خود سازنده تاریخ خویشند و منتها این کار در شرایط مشخص جهان انجام میگیرد که نمیتواند مهر و نشان خود را باقی نگذارد و مجال است که امواج عظیم اقیانوس تاریخ عالم در خلیج ما، خیزاب‌های انعکاس خود را پدید نیارد و با موجهای خلیج ما در نیامیزد. چنانکه گفته شد، در آخرین تحلیل مردم معمار حوادث داخلی کشور و مپهن خود هستند و مردم هم این کار را در صورتی انجام میدهند که در آن، به علتی از علل، ذی‌مدخل و ذی‌علاقه باشند.

علاوه بر این خصیصه که یاد کردیم، یعنی خصیصه پیوند و تأثیر متقابل حوادث جهان و ایران، خصیصه دیگر قابل ذکر آنست که تاریخ جهان از لحاظ کیفی، بویژه طی دهه اخیر، وارد مرحله تازه‌ای شده است و آن مرحله عبارتست از افزایش شدید نقش خلقها در شکل‌گیری حوادث تاریخی. زمانی بود که از اینطرف مثلاً «هر متر نخ»، صدراعظم متفرعن اطریش- هنگری با امپراطور پیچیده‌ای میگرد و از آن طرف مثلاً «مسئولان ایران» وزیر خارجه، با شاه فرانسه قرارداد میگذشت و این آقایان خوشبو و پودر زده و غرق در زروجواهر، درباره سر نوشت اروپا تصمیم می‌گرفتند، و نه فقط دهقان سر کوفته فرانسوی و اطریشی، حتی روشنفکر پر مدعا و احساساتی خیابانهای پاریس و وین هم تنها وقتی شستشان خبردار میشد که دیگر در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بودند و تیر از کمان گذشته بود. زیدگان (یا الیت سیاسی) در خفا گاه دام خود را تمیده بودند و همین‌ها ندیده بودند که مردم در این دامهای گسترده به افتند.

اما حالا چنان سیاهان زیمبا بوه و یا یرتوریا و برنجکاران لاتوس و کامبوج و یسارتونهای فلسطینی و نفتکاران ایرانی و مردم کشورهای سوسیالیستی در سیاست جهانی مداخله دارند، سیاست میسازند، حوادث را اداره میکنند، که مستر کارتر و مستر برژینسکی را بارها غافلگیر میکنند و به تحیر و امیدارند و آمپریال ترنر، رئیس «سپا»، مجبور است اعتراف کند که کور خوانده بود. چنانکه در مورد انقلاب ایران جناب ایشان اعتراف کرد:

دنيا عجيب عوض شده! بقول فردریش دوم پادشاه آلمان، «آء چه چرخشی بنا به همیت ازلی!» روزگار رهبر ارکستر مطلق بودن امپریالیسم و بویژه پسر عموهای آنکلسا کسون (واشنگتن و لندن) سپری و حداقل، رهبر ارکستر دیگری بنام خلق آگاه وارد صحنه تاریخ شده است. اینک دیگر هیچ مسئله سیاسی در جهان نیست که امپریالیسم قادر باشد آنرا تنها بنابر «آراده سته» خویش حل کند، اینکه دیگر امپریالیسم قدر قدرت نیست. امپریالیسم خواست رژیم کایتانو و فالانژیستهای چائشین فرانکو و سرهنگان یونان و رژیم ساموزارا استبداد محمد رضا و باند خونخوار پل پت و بساط فرتوت‌های سلاسی و امثال این حیوانات را نگاه دارد، ولی نتوانست. امپریالیسم میخواهد مسیر تشنج زدائی را برگرداند و دوران خسوش جنگ سرد را احیا کند، ولی نمیتواند. امپریالیسم میخواهد تورم را متوقف سازد، از بحران انرژی بکاهد، رکود تولید را چاره کند، ولی نمیتواند. صدها هزارها کمیسیون در سطح وزیر و نخست وزیر و رئیس جمهور عاقل و باطل میمانند!

زمانی برای امپریالیسم، به بیان تاپلون «خواستن توانستن» بود، ولی حالا، کم کم «خواستن، نتوانستن» است! این بخش را با نقل داستانی شیرین بیایان میرسانیم، در زمین الاخبار گردیزی آمده است که تا آخرین شاه طاهریان

بنام محمد بن طاهر، مست غرور در گرمگاه روز، سخت در خواب عمیق فرو رفته بود. از جانب یعقوب لیث، قهرمان عیاران خلق، که علیه او و خلیفه عباسی برخاسته بود، رسولی آمد که باین امر دست نشاندگی بگوید، «دیگر دورت بسر آمد، برخیز و حق را بحقدار تحویل بده!» وقتی رسول وارد سراى امیر طاهری شد، صاحب پرده دار او، که محمد نام داشت، به رسول گفت: «امیر بار نمیده، زیرا در خواب است!» رسول یعقوب لیث، با غرش شیر آسا گفت: «کسی آمد کش از خواب بیدار تواند کرد!» اینک کسی آمده، یعنی خلقهای متشکل و بیدار شده جهان، که امپریالیسم را از خواب غرور و تفرعن جنون آموزش میتواند بیدار کند و بوسدار خواهد کرد.

البته ما هنوز از آن روز فرخ خجسته دوریم که امپریالیسم، این هوولای فتنه انگیز و شر آفرین تاریخ، بی ضرر شود. هنوز قدرتی است دارای پنجه زهر آلود و نیروی و سوسه‌گرهای ابله‌ساز، ولی آنروز در سر کوهها نیست و نسل جوان ما آنرا لمس خواهد کرد. آنروز خجسته در «دستور روز» تاریخ است و از رؤیای ناشدنی، به واقعیت مبدل میگردد.

بشکینیم، و اتق باشیم و در سنگر رزم و طلب استواری نشان دهیم!

مقاله بعد: «درباره روند واحد انقلاب جهانی»



نظر صدراعظم آلمان فدرال و رئیس جمهوری فرانسه در مورد مرکز آموزش نظامی شوروی در کوبا

حکومت اشعیت صدراعظم آلمان فدرال و رئیس‌تکارتارستن رئیس‌جمهوری فرانسه، در مذاکرات اخیرشان، در مورد مرکز آموزش نظامی شوروی در کوبا اظهار نظر کردند که حضور یک تیپ رزمی شوروی در کوبا بهیچوجه توازن استراتژیکی جهانی را برهم نخواهد زد و به تعویق انداختن تصویب پیمان سالت ۲- (محدود کردن سلاحهای استراتژیکی) از طرف امریکا موردی ندارد. بدنبال کلزار تبلیغاتی علیه کوبا، دولت امریکا قصد دارد به بهانه «حضور نظامی شوروی در کوبا»، ۱۵۰۰ تفنگدار دریائی به پایگاه نظامی خود «گوانتانامو»، مستقر در سرزمین کوبا، اعزام دارد.

شبکه پایگاههای نظامی امریکا در جهان

در حال حاضر ۴۰۰ پایگاه نظامی زمینی و دریائی و هوائی امریکا در ۲۹ کشور جهان مستقر است. علاوه بر این، وزارت دفاع امریکا یک نیروی صدوده از ارنفری و اکتش سریع، باهاموریت اشغال منطقه خلیج فارس تشکیل داده است و پایگاه نظامی خود در دیگو گارسیا، واقع در اقیانوس هند، را نیز گسترش داده و با سلاح هسته‌ای مجهز میکند. امریکا، به سافت صدها کیلومتر در امتداد مرزهای کشورهای سوسیالیستی در اروپا، صدها راکت «پرشینگ» با کلاهک اتمی، هزاران نصد هواپیمای نیروی دریائی، هفتصد هواپیمای عملیات تاکتیکی و ۱۶۰ هواپیمای بمب افکن ف-۱۱۱ که مجهز به سلاح اتمی هستند، مستقر کرده است.

جهان سرمایه‌داری در زیر امواج اعتصاب

● لیسیون ساعتماب در روز کارگران و کارکنان بندر «لیوشوش» در بریتانیا، با پیروزی زحمتکشان به پایان رسید. کارفرمایان در برابر اعتصاب یکپارچه زحمتکشان ناگزیر شدند برنامه جدید کار را که بزبان زحمتکشان تنظیم شده بود، لغو کنند.

● سیپدنی - اعتصاب ۲۴ ساعته همگانی در زلاند جدید، که سراسر فعالیت اقتصادی کشور را متوقف ساخته بود، به پایان رسید. اعتصاب کنندگان افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی را خواستار بودند.

● رم - در اواخر سپتامبر (اوتایل مهرماه) تمام مدارس ایتالیا تعطیل شد. آموزگاران و کارمندان مدارس کشور به نشانه همبستگی با صدها هزار کارمند ادارات دولتی، که خواستار افزایش حقوق و جلوگیری از تورم روزافزون بودند، به اعتصاب همگانی در سراسر کشور پیوستند.

● پاریس - قریب صدوسی هزار نفر از زحمتکشان صنایع نیرو و گاز فرانسه، بمناسبت گرانی روزافزون قیمتها، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی را طلب کردند.

● بن - جوانان بیکار ایالت «سار» در جمهوری فدرال آلمان، به نشانه اعتراض علیه بیکاری، دست به تظاهرات وسیعی زدند. تظاهر کنندگان از مقامات دولتی خواستند که برای پایان دادن باین وضع تدابیر جدی اتخاذ کنند. سال جاری بیش از نیمی از ۲۱ هزار نفر فارغ التحصیلان هنرستانها و مدارس متوسطه این ایالت بیکار مانده و حتی نتوانسته‌اند در موسسات صنعتی به عنوان کارآموز استخدام شوند.

از انتشارات حزب توده ایران

- عنوان مؤلف
- گفتاری درباره امپریالیسم نوراالدین کیا نوری
 - برخی مسائل جد انقلاب ایران احسان طبری
 - (مجموعه‌ای از مقالات منتشره در «مروم»)
 - اقتصاد سیاسی (در سنانه) ف. جوانشیر
 - ماتریالیسم دیالکتیک (در سنانه - کتاب اول) امیر نیک آئین
 - ماتریالیسم تاریخی (در سنانه - کتاب دوم) امیر نیک آئین
 - چهره‌های درخشان مریم فیروز
 - داوریهای بجا و نا بجا (مجموعه‌ای از اظهارات سیاستمداران و شخصیتهای خارجی درباره کشورشوراها، در دوران پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر) گردآورنده: ف.
 - حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات منتشر شده در «مروم»)

از کمکهای دوستان سپاسگزاریم

- ق. محمدی (از گنبد)
- ع. پروانه - هوشنگ
- کمک مالی شمارید
- حسینی ۴۰۰ تومان